

باد کوبه

بواسطه جناب آقا میرزا علی اکبر نخجوانی

جناب آقا میر حیدر نخجوانی جناب آقا رضاقلی قیطان جناب آقا بالا جباراف جناب حسن بالا و

جناب آقا میرزا آقا نجل مرحوم احمد خراط علیهم بهاء الله الابهی

هو الله

ای یاران روحانی جناب نخجوانی وقتی که در این ایوان یزدانی بود خواهش تحریر نامه بنام هر یک از شما فرمود آنچه در عهده او بود وفا کرد و از خجالت نجات یافت ولی من شرمسارم زیرا فرصت ندارم و نتوانم که بالانفراد نامه نگارم المجبور معذور و معاف من القصور یک نامه نگاشتم و بذکر یاران روحانی پرداختم

شما کلّ امواج یک بحرید و انوار یک شمس و اوراد یک حدیقه و شیران یک بیشه و مرغان یک چمن و ریاحین یک گلشن لهذا حکم یک نفس دارید و این نامه فی الحقیقه بهر یک مرقوم

شکر فضل و عنایت جمال ابهی نمائید که چنین شمع وحدت نورانی برافروخت و عالم انسانی روشن شد در اتحاد و اتفاق اگر خللی از قصور خود ماست والا فیض ابدی کلّ را در ظلّ یک خیمه جمع فرمود و نفخه حیات ابدیه دمید و نفحه وحدت عالم انسانی بمشام رسید

حال شما شب و روز جهد بلیغ نمائید تا مطلع انوار توحید گردید و مشرق انوار تجرید شوید و با یکدیگر بنهایت محبت چنان آمیزش یابید که سحاب الطاف بریزش آید و انوار بخشش بتابد من در لیل و نهار و شام و اسحار تضرّع بملکوت اسرار نمایم و از برای شما ثبوت و قرار و الفت و محبت در جمیع شئون از حضرت پروردگار طلبم و علیکم البهاء الابهی ع ع